

نخستین پادشاهان هخامنشی

ترجمه سخنرانسی آقای دیوید استروناخ مدیر عامل
مؤسسه ایرانشناسی بریتانیا در هفته ایران باستان ،
اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ .

در دهسال گذشته يك رشته اکتشافات تازه در ایران بعمل آمده است که تصویر روشنتری از تاریخ فرهنگ آغاز فرمانروائی هخامنشی و آنچه از دودمانهای قبلی که در غروب ایران سلطنت میکرده اند به وام گرفته اند بدست میدهد . اکتشافات نزدیک همدان کمک کرد که دریابیم مادها چه سهمی در منابع معماری هخامنشیان داشته اند . در اکتشافات متعلق به هزاره قبل از میلاد در گودین تپه و باباجان تپه و تپه نوشی جان تالارهای بزرگ ستون دار پیدا شده است از طرفی چنین تالارهایی در اکتشافات تالار چهارم در حسنلو متعلق به ۱۰۰۰ الی ۸۰۰ ق.م. است بچشم میخورد . حال بدون شك میتوان گفت ساختن این طرز بناها و ساختمانها سر مشق معماری کاخ عظیم «آپادانا» در قرن ششم و معماری هخامنشی بوده است . نه تنها بین تعداد ستونها و نیمکتها و جایگاههای ثابت که میساخته اند يك پیوستگی وجود دارد بلکه در طرز ساختمان آنچنان نکات مشخصی مشاهده میشود که معلوم میکند این روشها از دوره ای بدوره دیگر منتقل شده است .

درباره ساختمانهای مذهبی نیز این مطالب مشهود است . اکتشافات اخیر تپه نوشی جان نشان میدهد که ریشه بسیاری از اشکال و علائم معماری مذهبی زرتشتیان در قرن هفتم و هشتم دوران مادی است .

آنچه هخامنشیان اولیه از ایلامی‌ها گرفته‌اند شایسته بررسی است. گاهی اوقات هخامنشیان از عناصر ایلامی و مادی برای تشکیل سنن تازه خود ترکیبی می‌ساخته‌اند.

هنوز راجع به جاده‌هایی که مادها و پارسیان از آنها برای رسیدن به سرمنزل نهائی عبور کرده‌اند و تاریخی که بدانجا رسیده‌اند مباحثه و اختلاف نظرهایی وجود دارد. درباره پارسیان من فکر می‌کنم که آنها ۷۰۰ پ.م. در فارس مستقر شده بودند. این تاریخی است که معمولاً به هخامنشیان و شروع سلسله آنها نسبت داده می‌شود. آنچه بایستی تأیید بشود نامشخص بودن تاریخی است که به پیش‌پیش و اجداد کورش بزرگ نسبت داده می‌شود.

زندگانی فوق‌العاده کورش بزرگ (۵۳۰-۵۵۹) از خیلی جهات شایسته توجه خاصی است. در ابتدای سلطنتش فرودست پادشاهی دیگر بود و سپس با جنگ‌های خطیر و فاتحانه او شاهنشاهی تازه‌ای بوجود آمد. با رفتار عادلانه نسبت به مردمان مختلفی که زیر سلطه او قرار گرفتند سعی کرد که تفاهم جدیدی از سلطنت آرام و انسانی پدیدار کند.

یکی از موفقیت‌های کورش کبیر ساختمان زیبای پایتختش بازار گاد است که در آن سبک تازه در هنر و معماری بوجود آمده است. توجه ما بیشتر به این قسمت از کار کورش تخصیص داده خواهد شد.

مطالعات جدید محققان مختلف اسناد جدیدی برای قضاوت در مراحل مختلف معماری هخامنشی به ما میدهد. این امر مخصوصاً در مورد نیمه دوم قرن ششم پ.م. صادق است. و حالا ممکن است که در بسیاری موارد ساختمان زمان کورش بزرگ و داریوش بزرگ و جانشینان را باز شناخت.

ممکن است سال‌هایی که کورش در بازار گاد به کار ساختمان سرگرم بوده است به حدس معین کنیم. گفته شده که یا پدر کورش یعنی کمبوجیه اول آنجا را پی‌نهاده یا آنکه خود کورش در سال‌های اولیه سلطنتش قبل از ۵۵۰ برای نشان دادن استقلالش قبل از شکست آردهاک در آنجا شروع به ساختمان کرده است. شواهد و مدارکی برای برتری دادن یکی از این دو برد دیگری در دست نداریم.

از همان آغاز در کار کنار هم گذاشتن سنگ‌ها و پیوستن آنها باهم در این ساختمان

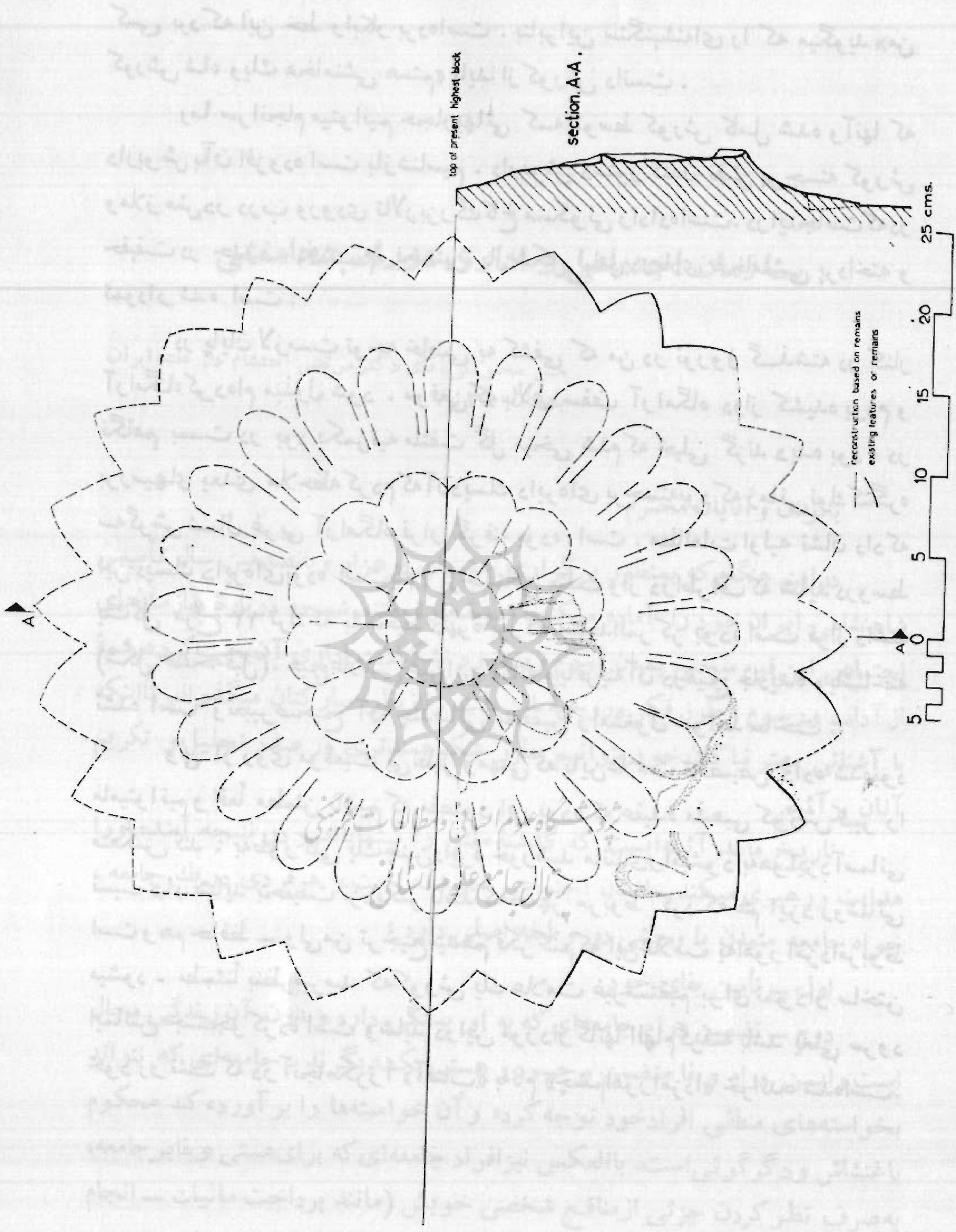
شیوه‌ای بکار برده شده که نمودار سابقه بسیار دراز معماری است و علامت روشنی است بر اینکه کورش از استاد کاران ایلامی و ایونی (پس از فتح سارد در ۵۴۷ پ.م.) کمک گرفته است. بنا بر این کار ساختمان بازار گاد در سال ۵۴۶ پ.م. یعنی يك يا دو سال بعد از فتح ساردونه قبلا شروع شده است.

طرح این ساختمان سابقه ندارد. فواصل بزرگی عمارتها را از هم جدا می‌کنند. این فواصل برای پیاده روی نبود بلکه میشد آنجا را سواره طی نمود. منابع آب برای نهرهای آب ساخته شده بود و میتوان تصور کرد که انواع درختان در آنجا کشت و يك باغ ایرانی برپا شده بود. شرائط دفاعی خارجی نیز نسبت به وضع آنروزها ناچیز بود حتی ساختمان اصلی نیز دارای ایوانهای باز مسقف است که این طرز ساختمان بادیوارهای گلی ساده سنتی تمام قصرهای دیگر خاور نزدیک بی اندازه متفاوت بود.

پراکندگی واحدهای ساختمانی اغلب تماشاگران را بر آن داشته که آنجا را همچون اردوگاهی بزرگ بدانند. پیشنهاد شده است که شکل لغت فعلی یونانی را دلیل بر لغت ایران باستان بگیرند که شاید معنی آن «اردوی ایرانیان» باشد. ولی با تمام خصائل استثنائی بازار گاد و آنچه مدیون علاقه ایرانیان به نمای طبیعت و فضای باز است باید موکداً گفت که پایتخت درخشان کورش يك ساختمان تصادفی نبوده که در بنای آن اندک توجهی بیشتر از آنچه صرف ساختمانهای اردوگاه موقتی میشده کرده باشند. تمام ساختمانهای اصلی از يك جهت مشابهت فراوانی دارند و شواهدی هست که ارتباطهای داخلی ساختمانهای مختلف آنجا از لحاظ نما و تناسب کاملاً مورد ملاحظه قرار گرفته است. و از مندرجات کتاب «الواح تخت جمشید» تألیف پروفیسور هلاک^۱ بر ما معلوم شده است که نام پارسی باستانی هرگز نسبتی به «اردوگاه ایرانیان» نداشته همانطور که در یکی از الواح آمده است نام اصلی پارسی باستانی «پاسراگادا» است نامی که ممکنست از لغت قبیله فرمانروای پارسی Pasargadae مشتق شده باشد که هرودت هم بهمین صورت آورده است.

نکته برجسته دیگر اختراع خط میخی ایران باستان است. همانطور که پروفیسور هلاک و پژوهندگان دیگر در سال گذشته نشان داده‌اند شاید کورش اولین

1- Hallock persepolis Fortification tables.



top of present highest block

section A-A.

reconstruction based on remains
existing features or remains

25 cms.

20

15

10

5

0

5

A

A

کسی بود که این خط را بکار برده است . بنابراین سنگنبشته‌ای را که میگوید «من کورش شاه و یک هخامنشی هستم» باید از کورش دانست .
وما سرانجام میتوانیم حجاریهایی که توسط کورش کامل شده و آنها که داریوش بآن افزوده است بازشناسیم . داریوش دستور کندن نقش برجسته کورش و ملازمش در درب ورودی تالار بزرگ کاخ مسکونی راداده است . در اینجا سن که در حقیقت در حدود ۵۱۰ پ.م. نخستین بار شکل لباس درباری هخامنشی پرداخته و نمودار شده است .

در پایان لازمست توجه خاصی به کشفی که من در نوروز گذشته در کنار آرامگاه کردهام مبذول شود . موقعی که بالای سقف آرامگاه دراز کشیده بودم و نگاهم بسمت در بود یکمرتبه ملتفت گل میخی شدم که خیلی گزند دیده بود ، در بررسیهای بعدی ملاحظه کردم که آن دیسک دایره‌ای برجسته بود که زمانی نوك كنگره سه گوش شمال غربی آرامگاه قرار گرفته بوده است . مطالعات اولیه نشان داد که این دیسک دایره‌ای بوده است با ۲۴ برجستگی مثلث وار در اطراف که شاید در وسط يك گل سرخ ۱۲ ترك که با محیط دایره بزرگ متحدالمرکز بوده است قرار داشته (شکل صفحه قبل) . هیچ علامتی عین این نشانه و یا قرینه آن در هیچ جا دیده و یا شناخته نشده است و تعبیر صحیح آن چندسالی محققین را مشغول خواهد ساخت .

ولی از روی موقعیت بی نظیر و مهمی که باین علامت تخصیص داده شده بود ما میتوانیم واقعاً مطمئن باشیم که مقصود این بوده که عقیده مذهبی کورش کبیر را منعکس کند . به طور کلی يك چنین دایره خورشیدمانندی را میشود به هر ایزد آسمانی نسبت داد . شاید بحقیقت نزدیکتر باشد که به مهر مربوط کرد که هم ایزد روشنائی است و هم حافظ - ولی من ترجیح میدهم فکر کنم که این علامت به اهورامزدا مربوط میشود . مطمئناً بنظر میرسد که کورش يك علامت غیر مستقیم برای نمودار ساختن ایمانش جستجو کرده است و شاید در این مورد از گاتها الهام گرفته باشد یعنی سرود خود زرتشت که در آنجا مکرراً «آفتاب» به نام «چشم اهورامزدا» خوانده شده است .